

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)

سال پانزدهم، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۴

نبرد ملازگرد یا خندق دوم دنیای اسلام

دکتر محمد تقی امامی خوئی*

چکیده

این مقاله درصدد است مهم‌ترین جنگ سلجوقیان با امپراتوری بیزانس را مورد بازکاوی و بررسی قرار دهد. تصرف ایران توسط ترکان سلجوقی و پیشروی آنان به سوی آناتولی، دو قدرت برتر منطقه را در برابر هم قرار داد. این رویارویی علی‌رغم برتری بیزانس به پیروزی قاطع سلجوقیان انجامید. این مقاله با نگاه تحلیلی به سیاست سلجوقیان و رومیان در آناتولی، سعی دارد ریشه‌های نارضایتی مردم منطقه از رومیان را تشریح کند و چگونگی زمینه پذیرش سلطه ترکان را بیان کند. در قسمتی دیگر به رویارویی دو سپاه، ترکیب جمعیتی نیروها، تاکتیک‌ها و سلاح‌های طرفین و عملکرد آن‌ها در جنگ پرداخته است. در قسمت پایانی نیز بر پیامدهای پیروزی نبرد ملازگرد از جمله تشکیل دولت سلجوقیان روم، تضعیف نفوذ مسیحیان در آناتولی، ترک شدن منطقه و آغاز جنگ‌های صلیبی

می‌پردازد. این مقاله با استناد به مطالب مورخان مسلمان عرب، ایرانی و ترک داده‌های قابل توجهی ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: جنگ ملازگرد، خندق دوم، آناتولی، آلب ارسلان، امپراتوری سلجوقی.

مقدمه

فروپاشی دولت ساسانی توسط مسلمانان به تضعیف پادگان‌های نظامی در سرحدات شرقی به‌ویژه در مجاورت مناطق ترک‌نشین منجر شد. ترکان دست کم از دو محور شمال قفقاز و ماوراءالنهر قلمرو ایران را تهدید کردند. در دوره فترت بین سقوط ساسانیان و استقرار اعراب در ماوراءالنهر ترکان پیشروی قابل ملاحظه‌ای در این منطقه انجام دادند. عملیات نظامی سرداران اموی که با شعار «جهاد علیه کفار» صورت گرفت؛ راه پیشروی سریع آنان را سد کرد. اما مانع از نفوذ آنان به دنیای اسلام نشد. ترکان خواه به‌دلیل «انبوهی خانه و تنگی چراخور» (راوندی، ۱۳۶۴، ۸۶) و خواه به‌دلیل سردی هوا و فشار نیروهای چادرنشین پشت سرخود به ماوراءالنهر گام نهادند. در این دوره با تعالیم اسلام آشنایی یافتند.

ترکان که به خوبی دریافته بودند توان مقابله با نیروی تازه وارد مسلمانان را ندارند، سیاست نامشخص و پیچیده‌ای را در قبال آنان در پیش گرفتند. رویارویی‌های نظامی، پذیرش صلح و جزیه، مشارکت با مسلمانان در سرکوب شورش‌های داخلی ماوراءالنهر، پیوستن به اتحادیه‌های ضد مسلمانان حکمرانان محلی و اسلام آوردن ایشان جزئی از تاکتیک‌های سیاسی - نظامی ترکان در قبال مسلمانان بود. اما دنیای اسلام با این واقعیت روبه‌رو شده بود که باید با این قوم چادرنشین به نوعی به توافق و تعامل برسد. زیرا مسلمانان در تداوم فتوح و تثبیت قدرت خود در ماوراءالنهر به نیروی نظامی آنان نیاز داشتند و در بعد اقتصادی هم، حوزه فعالیت تجاری بازرگانان مسلمان را توسعه می‌بخشیدند و در حوزه

فرهنگی نیز با تبلیغ اسلام موجب گسترش دین عالم گیر می شدند که هدف خود را نجات بشریت از ظلمات و گمراهی بت پرستی و شرک قرار داده بود.

زندگی طولانی مدت ترکان در جوار دولت اسلامی، از یک سو آنان را تحت تأثیر آموزه های دینی و فرهنگی اسلام قرار داده بود و به تدریج ناتوانی باورهای سنتی ترکان را بیش از پیش نمایان می ساخت و از سوی دیگر، تجار ترک به دلیل نامسلمان بودن، از محدودیت های موجود در جامعه اسلامی در داد و ستد با کفار متضرر می شدند. بنابراین ترکان بر اثر آگاهی از موقعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود به سوی اسلام گرایش یافتند.

مسلمان شدن گروه های محدود ترک به نیمه قرن اول هجری برمی گردد، اما مسلمان شدن آنان در دسته های بزرگ تر از اوایل قرن چهارم عملی شد. به طوری که نخستین حکومت ترک نژاد مسلمانان توسط قراخانیان تشکیل شد و سلجوقیان نیز در تابعیت سیاسی آنان بودند که به اسلام گرایش یافتند. البته باید خاطر نشان کرد که عملیات جنگی حکومت محلی آل فریغون و سامانیان نیز در گسترش اسلام در منطقه ماوراءالنهر و ورود ترکان به عالم اسلام به صورت غلام (برده) بسیار مؤثر بوده است.

ورود غلامان ترک به عالم اسلام تا قرن پنجم، تعادل سیاسی را به نفع این قوم تازه وارد تغییر داد. بهره گیری از ترکان در امور نظامی به عنوان یک امر بدیع توسط خلافت تبلیغ شد به طوری که در دوره سامانیان و آل بویه و آل زیار و حتی حکومت های کوچک محلی نیز به کار گماری ترکان با سرعت فزاینده ای ادامه یافت.

ورود سلجوقیان به عالم اسلام از سنخ ورود غلامان ترک نبود. بلکه آنان به صورت یک قبیله و یا اتحادیه پای به قلمرو ایران و اسلام نهادند و پیشروی شان مرهون استعداد نظامی مبتنی بر نیروی قبیله ای بود که به نیروی دین نیز مجهز شده بودند. به عبارتی قوم ترک به دین حرکت زای اسلام مجهز شده بود. با بروز دگرگونی سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام، در موقعیت ترکان نیز تغییر حاصل گردید. این بار ترکمنان مسلمان پرچم دار مبارزه با کفار شدند و لقب غازی را به خود گرفتند. اما مأموریت جهاد مذهبی سلاجقه به قلمرو ترکان کافر محدود نشد بلکه غزا در مسیر پیشروی آنان در غرب یعنی

در مجاورت مرز مسلمانان با بیزانسی‌ها ادامه یافت. سلجوقیان بسان بسیاری از اقوام صحرائشین ترکستان آمال خود را در غرب می‌جستند. آنان با پیشروی در غرب با نیروی مسیحی بیزانس روبه‌رو شدند و یکی از بزرگ‌ترین پیروزی عالم اسلام بر عالم مسیحیت را کسب کردند که بعدها توسط مورخان ترک به دلیل اهمیت‌اش به «جنگ خندق دوم دنیای اسلام» معروف شد.

حال این مقاله درصدد تشریح ابعاد گوناگون این پیروزی بزرگ در جنگ ملازگرد است که توسط آلب ارسلان دومین سلطان سلجوقی به‌دست آمد و نه‌تنها راه ورود عالم مسیحیت را به درون قلمرو مسلمانان سد کرد بلکه برعکس زمینه و مقدمات گسترش اسلام را در اروپا در قرون بعدی توسط عثمانیان هموار نمود.

سیاست سلجوقیان و رومیان در آناتولی

موقعیت جغرافیایی و سوق‌الجیشی آناتولی، اهمیت ویژه‌ای به آن داده بود و قدرت‌های محلی و منطقه‌ای برای تصرف آن از هیچ کوششی فروگذار نکردند. مهم‌ترین قدرت‌های منطقه‌ای امپراتوری‌های روم و سلجوقیان بودند. حکومت‌های محلی کرد، ارمنی، گرجی و عرب نیز برای نفوذ در آن می‌کوشیدند. تهاجم گسترده قبایل اوغوز به ایران و پر شدن جلگه‌ها و مراتع مناسب آن موجب گردید حاکمان سلجوقی، نیروهای ترک تازه‌وارد را به مناطق دوردست روم اعزام کنند. ابن اثیر از قول ابراهیم ینال برادر مادری طغرل که حاکم همدان و مناطق پیرامونی بود به‌خوبی بیان کرده است: «ینال به آن‌ها گفت: بلاد من برای جای دادن به شما و رفع نیازمندی‌هایتان تنگ است و رأی من این است که به غزای روم بروید و در راه خدا جهاد کنید و غنیمت بیابید من هم در اثر شما خواهم آمد و به شما یاری خواهم کرد.» (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ۱۷/۲۵۰)

ترکمنان در تمام قلمرو دنیای اسلام پراکنده شدند. به‌طوری که پدیده مهاجرت، مهم‌ترین مسأله سلاطین قدرتمند اولیه سلجوقی نظیر طغرل، آلب ارسلان و ملک‌شاه بود. آنان مجبور بودند هم برای حفظ حقوق مردم قلمرو در مقابل حملات ترکمن‌ها و هم برای تأمین جا و مسکن به هم نژادان خود،

که در تأسیس حکومت سلاجقه نقش بزرگی داشتند، اقدام کنند. زیرا خلفا و تمام دولتمردان دنیای اسلام مشکلات اجتماعی و سیاسی پدید آمده به وسیله ترکمن‌ها را متوجه طغرل می‌کردند. از این‌رو، خلیفه به‌عنوان رهبر معنوی دنیای اسلام سعی می‌کرد راه برون رفت از این بحران را پیدا کند. در راستای این تلاش‌ها خلیفه، ماوردی عالم معروف و مؤلف احکام السلطانیه را به‌عنوان ایلچی برای کنترل اوضاع نزد طغرل فرستاد. خلیفه از طغرل خواسته بود تا از غارت مردم بپرهیزد. (Turan, 1971, 18) پیش از این نیز خلیفه با اعزام ایلچیان متعدد، حقوق رعیت مسلمان را به طغرل گوشزد کرده بود. جواب طغرل به ایلچی، خط مشی و سیاست سلجوقیان را در دهه‌های بعد روشن می‌ساخت. طغرل جواب داد که سپاهیان من زیاد هستند. این قلمرو گنجایش آنان را ندارد. ایلچی خلیفه نیز جواب داد اگر شما تمام دنیا را نیز تسخیر کنید برای سپاهیان شما کفایت نخواهد کرد.

سلجوقیان با سیاست گشودن مناطق جدید و اسکان ترکمنان در آنجا، به‌سوی آناتولی حرکت کردند. جهاد و غنیمت‌انگیزه‌های دیگر این حرکت بود. یورش سلجوقیان مواضع دفاعی مسلمانان در برابر بیزانسی‌ها را تغییر داده و به آن جنبه تهاجمی بخشید. بخشی از نیروهای سلجوقی امر جهاد را تحت فرماندهی ابراهیم ینال در آناتولی انجام می‌دادند. وی با شکست دادن بیزانس و تصرف حسن قلعه، اسرا و غنایم زیادی به‌دست آورد که به ری، تختگاه سلاجقه، سرازیر شد. این پیروزی‌های مقدماتی در تقویت روحیه سپاهیان مسلمان سلجوقی و تشویق و تحریک آنان به جنگ بسیار مؤثر افتاد. حتی از شهرها نیز نیروهای زیادی برای پیوستن به غازیان به راه افتاد. لذا ترکمن‌ها به‌تدریج از شرق آناتولی به مرکز، سپس به غرب آناتولی پیشروی می‌نمودند.

موقعیت امپراتوری بیزانس در آناتولی در وضع مطلوبی قرار نداشت. زیرا این امپراتوری توانایی لازم را برای ایجاد اتحاد سیاسی بین نیروهای تابع خود که متشکل از ملیت‌ها و اقلیت‌های مختلف زبانی، قومی و دینی بود، نداشت. در این زمان آرامنه و سوریانی‌های ساکن آناتولی را به علت دشمنی با بیزانس در قرن پنجم هـ / یازدهم م. و شاهزادگان آرامنه شرق آناتولی را به‌خاطر عدم قبول حاکمیت سیاسی و مذهب ارتدوکس متلاشی نموده و آنان را با جمعیت زیاد به آناتولی مرکزی کوچ دادند.

(خداوردیان، ۱۹۸-۱۹۷). حکومت‌های محلی و دهقانان مسیحی نیز از سیاست‌های مالیاتی و مذهبی بیزانس رضایت چندانی نداشتند. امپراتوری بیزانس برای سرکوب کردن مسیحیان یاغی و دفع تهاجم نیروهای مسلمان به لشکرکشی‌های متعددی دست زد. در یکی از این حملات (در سال ۴۶۲ق) که به شهر منبج بود، تعداد کثیری از مسلمانان ساکن را قتل عام نمود و به قول یکی از منابع «در حالی که آثار بد بجا گذاشته بود و اسلام خون‌های بناحق ریخته را از او طلب کار بود» (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶، ۴۳)

در این زمان آلب ارسلان سلطان سلجوقی در دیار بکر مشغول لشکرکشی بود و توانست حکومت محلی بنی مروان را در دیار بکر به تسلیم وادارد. نیروهای دیگر سلجوقی نیز در آناتولی درگیر منازعات پایان‌ناپذیر با نیروهای مخالف محلی و بیزانسی‌ها بودند.

آلب ارسلان تا این تاریخ به فتح تمام آناتولی فکر نمی‌کرد و تنها پیشروی امرای ترکم را برای تأمین نیازشان کافی می‌دید. به‌طور کلی تا نبرد ملازگرد، فتوحات ترکان در آناتولی شامل شهرهای ارزروم، ملطیه، سیواس، قارص، قیصریه، قونیه، نیکسار و عموریه بود. ولی تا این تاریخ آناتولی برای سکونت ترکان محل مناسبی نبود. زیرا با آمدن نیروهای مجهز بیزانس، ترکان امکانات لازم برای دفاع از خود را نداشتند. هنوز بسیاری از قلاع و استحکامات منطقه تسخیر نشده بود و سلاح‌های قلعه گشا نداشتند. سپاه اصلی سلجوقی نیز مشغول تصرف شام و جنگ با فاطمیان بود. آلب ارسلان در سال ۴۶۲ ق/۱۰۷۰م پس از تصرف اخلاط و دیار بکر، عازم اورفه شد و آن شهر را به محاصره درآورد و تنها پس از گرفتن پانصد هزار دینار محاصره را رها و عازم تصرف حلب گردید (آلیاری، ۱۳۴۶) پس از تسلیم شدن شهر، آلب ارسلان به سوی قلمرو فاطمیان مصر حرکت نمود.

امپراتور بیزانس که به‌طور مرتب در مقابل ترکان بخشی از قلمرو خود را از دست می‌داد، برای نجات آناتولی از پیشروی ترکان به تکاپو افتاد. با به‌دست گرفتن حاکمیت قلمروهای سوریه، فلسطین و آناتولی از طرف مسلمانان، بیزانس همکاری حکام اروپای غربی و شرقی را برای جلوگیری از پیشروی مسلمانان و نجات عالم مسیحیت، ضروری دانست که در بلندمدت زمینه‌ساز جنگ‌های صلیبی

گردید (Sevim, 1972, 219-229) و در کوتاه مدت نیز به جنگ ملازگرد انجامید. درحالی که سلطان مشغول نبرد با پادگان‌های فاطمیان بود، از سوی امپراتور بیزانس نامه تهدیدآمیزی دریافت نمود مبنی بر این که شهرهای تصرف شده بیزانس را پس بدهد و در غیر این صورت با نیروی عظیمی به سوی او حمله خواهد کرد. (Turan, 1971, 23) ولی موقعیت شهرهای متصرف شده برای آلب ارسلان به قدری مهم بود که وی به سفرای روم جواب رد داد (آلیاری، ۱۳۴۶). لذا امپراتور رومانوس دیوجانس با نیروی بزرگی به سوی مرز روم حرکت نمود. (Sevim, 1971, 58) آلب ارسلان نیز با به جای گذاشتن قسمتی از نیروی خود در مقابل فاطمیان در سوریه، با عجله به آذربایجان بازگشت تا به تدارک نیرو و تجهیزات نظامی بپردازد (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶، ۴۶). آلب ارسلان به هنگام بازگشت به آذربایجان یکی از فرماندهان خود به نام افشین را به آناتولی فرستاد که جلو تجاوز سربازان بیزانس به مردم را سد نماید. خبر بازگشت موفقیت‌آمیز افشین با غنایم زیاد و گزارش وضع آناتولی از این که رومیان قدرت نبرد با ایشان را نخواهد داشت باعث خوشحالی بسیار آلب ارسلان شد.

رویارویی دو قدرت بزرگ در ملازگرد

امپراتوری روم که برای خود در منطقه آناتولی نوعی حقانیت حکومت کردن قائل بود و این مناطق را جزو جدایی‌ناپذیر عرضه قدرت خود می‌دانست، ورود نیروی تازه‌جانب را نمی‌توانست تحمل کند. بنابر این برای بیرون راندن ترکان از آناتولی نیروی بزرگی آماده ساخت. رومانوس دیوجانس، امپراتور روم، سعی نمود از تمامی توانمندی‌های بالقوه و بالفعل قلمروش در بسیج سیاسی و نظامی کمک بگیرد. اقداماتش نشان داد که وی به نوعی رهبری جنگ مذهبی علیه مسلمانان را برعهده دارد. قبل از حرکت مراسم دینی و مناسک آیینی گسترده‌ای در کلیسا ایا صوفیه برپا داشت. از کشیشان مسیحی خواست تا برای پیروزی عالم مسیحیت دعا کنند و صلیب طلایی بزرگ را زیارت نمود (Sevim, 1971, 58) و در راستای تقویت روحیه مذهبی سربازان و ایجاد انگیزه برای مبارزه

«روحانی بزرگ کشور و صلیب محصوصشان» را همراه خود حرکت می‌دادند (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶: ۴۶). امپراتوری با این نیروی بزرگ به سوی ارزروم حرکت نمود.

ترکیب جمعیتی سپاه امپراتوری روم بسیار نامتجانس بود و اکثراً از اقوام و نیروهای مناطق تابعه بود. این سپاه علاوه بر نیروهای بیزانسی، از اهالی بالکان، یونان، آناتولی، ارمنه، اسلاو، ترکان، خزر، گوت بلغار، ژرمن، فرانک، گرجی، ترکان پیچنگ، ترکان اوز (اوعوز)، قیچاق، ابنخاز و سپاهیان مزدور دیگر تشکیل یافته بود. (همان جا؛ ابن بی بی، ۱۳۵۰: ۷۴-۷۵؛ Turan, 1999, 177). در منابع تعداد سپاهیان برخی از اقوام آمده است، تعداد اوزها ۱۵ هزار نفر (همان جا) ذکر شده است. در مورد تعداد سپاه روم نظرات مختلف و گاه اغراق آمیز از طرف مورخان ذکر شده است. این ارقام از ۶۰۰۰۰۰ نفر تا ۵۰۰۰۰ نفر در نوسان است. بنداری اصفهانی سپاه را بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر (همان جا) راوندی سپاه را ۶۰۰۰۰۰ نفر (همان، ۱۳۶۴، ۱۱۹؛ Turan, 1999). آقسرایبی نیز تعداد سپاه روم را ۵۰۰۰۰ نفر ذکر کرده است (همان، ۱۳۶۲، ۱۶). سپاه روم علاوه بر تعداد کثیر نیرو، به ادوات و تجهیزات نظامی همچون منجنیق‌های قلعه کوب، نفت‌انداز، نقب زن، زره، سپر، تیروکمان، شمشیر و غیره مجهز بود. همچنین همراه سپاه یک میلیون سکه طلا و یکصد هزار البسه ابریشمی وجود داشت (ابن اثیر، ۱۳۸۶: ۱۷/۴۰؛ Sumer, 1971, 52).

امپراتور با غرور تمام، اطمینان کامل داشت که آناتولی را از دست ترکان نجات خواهد داد و امپراتوری سلجوقی را سرنگون خواهد کرد و قادر به تصرف کامل ایران، عراق، سوریه و پایتخت‌های مسلمان یعنی بغداد و ری خواهد بود. غرور بیش از حدش سبب شد وقتی نامه آلب ارسلان به وی رسید گفت: بزودی در شهر ری به این پرسش پاسخ خواهم داد (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶، ۴۸). لذا اداره این نواحی را نیز به والیان و فرماندهان خود وعده داده بود. او در نظر داشت که تمام مساجد این قلمرو را به کلیسا تبدیل کند. هرچند سرعت حرکت سپاه امپراتور زیاد بود اما مسیر حرکت بی‌درد سر نیز نبود. در مسیر راه به سرکوب ارمنه سرکش و اخراج شاهزادگان ارمنی از قلمروشان همت گماشت. امپراتور به خاطر عجله‌ای که برای مقابله با سلجوقیان داشت توصیه مشاورانش مبنی بر اقامت در

شهرهای سیواس، ارزروم و تخریب دهات نرکان و از پای درآوردنشان با گرسنگی و نسنگی را رد کرد و حرکت خود را به سوی روم آغاز نمود. بیست هزار نیروی سواره نظام زره پوش خود را به گرجستان اعزام نمود تا امنیت پشت سر خود را تأمین کند. همچنین فرمانده دیگری خود «اورسل» نام را که در جنگ اعراب به شهرت رسیده بود، به اتفاق ترخان با سی هزار نیرو روانه ملازگرد و اخلاط نمود (Turan, 1999, 177).

وقتی سلطان خبر پیشروی امپراتور را شنید، به سرعت از حلب به سوی آذربایجان حرکت کرد تا در آنجا به بسیج سیاسی و نظامی جدید دست بزند. چون سرعت حرکت سپاه روم بسیار زیاد بود بنابراین سلطان فرصت کافی برای تجهیز سپاه نداشت. ایشان نیز مقدمات تجهیز و حرکت را طوری تبلیغ کرد که جنگ اش با روم، جنگ مسلمانان با کفار است. از این رو، در مناظر و نماز جمعه برای پیروزی سپاه مسلمان دعا خوانده می شد و به همراهانش گفت: «من در راه خدا پیکار می کنم. اگر سعادت شهادت یافتم به جای آن که در چینه دان کرکسان مردار خوار زمین گورم باشد در چینه دان یرندگان سبزرنگ آسمانی قرار می گیرم» (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶، ۱۴۶) و حتی به پیشنهاد یکی از فرماندهانش حمله به سپاه روم را صبح زود به وقت اذان تعیین کرد (رشید الدین فضل الله همدانی، ۱۳۶۲، ۲۸۰). تعجیل سلطان در بازگشت به آذربایجان جهت رفتن به شرق آناتولی سبب شد که به هنگام عبور از رودخانه فرات بسیاری از احشام خود را از دست داد. قاضی شهر ملازگرد با آمدن به حضور آلب ارسلان از او در مقابل خطر امپراتور بیزانس کمک خواست. سلطان از راه ارزروم به بتلیس (بدلیس) روانه شهر اخلاط گردید و با نیروی اندک، خود را برای این نبرد سرنوشت ساز آماده نمود. لذا خانواده خود را به همراه تجهیزات سنگین در معیت خواجه نظام الملک از راه همدان روانه تبریز نمود. (ابن عدیم، ۱۹۹۶، ۱۷۷؛ بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶، ۴۶) و وصیت نمود اگر شهید شدم فرزندانم ملکشا به جای او بر تخت نشینند.

تعداد سپاهیان سلطان در منابع به مراتب کمتر از سپاهیان روم گزارش شده است. اکثر منابع تعداد سپاه وی را ۱۲ تا ۱۵ هزار سپاهی ذکر می کنند (ظهیرالدین نیشابوری، ۱۳۳۲، ۲۴؛ بنداری اصفهانی،

۱۳۵۶، ۴۶؛ راوندی، ۱۳۶۴، ۱۱۹). ظاهراً در مسیر راه به ملازگرد چندین گروه دیگر نیز به سپاه سلطان اضافه گردید. افشین یکی از فرماندهان سلطان در راه بازگشت از آناتولی به آلب ارسلان پیوست. از طرف دیگر، یک نیروی ۱۰ هزار نفری به فرماندهی نظام‌الدین مروانی به اضافه نیروهای مختلف داوطلب به‌خصوص از کردان منطقه به سلطان ملحق شدند (Sumer, 1971, 58) حتی بعضی منابع به پیوستن آیتکین و نیروهایش که با فاطمیان در حلب مشغول نبرد بودند، اشاره می‌کنند (Turan, 1999, 178-177)، به هرحال آلب ارسلان بدون این که فرصت جمع‌آوری و تجهیز سپاه را به‌دست آورد مجبور به جنگ شد. بر این اساس می‌توان تعداد سپاه سلطان را حدود ۵۰ هزار و نیروهای روم را ۲۰۰ هزار نفر حدس زد (همان‌جا).

اولین برخورد مقدمه دو سپاه در چهارم ذی‌القعدة ۴۶۳ق روی داد که به شکست فرمانده بیزانس منجر گردید در این نبرد صلیب سپاهیان روم به‌دست مسلمانان افتاد. این غنیمت و پیروزی مقدماتی موجب افزایش روحیه سپاهیان آلب ارسلان شد. این صلیب به‌وسیله خواجه نظام‌الملک برای خلیفه عباسی ارسال گردید تا مسلمانان را خوشحال کند و سلامت اسلامیان را بشارت دهد (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶، ۴۷؛ ابن اثیر، ۱۳۶۸، ۱۷/۴۰؛ ابن بی‌بی، ۱۳۵۰، ۷۵؛ ابن خلدون، ۱۳۶۶، ۴/۲۱) آلب ارسلان از شهر اخلاط که در تصرف رومیان بود به‌سوی ملازگرد پیشروی نمود و در جنوب شهر ملازگرد و در صحرای رها نیروهایش را در دامن کوه در منطقه‌ای استراتژیک مستقر کرد به‌طوری که دو طرف محاصمه همدیگر را از دور مشاهده می‌نمودند و شاخه‌ای از رودخانه مراد نیروهای دو طرف را از هم جدا می‌ساخت. آلب ارسلان را فرماندهان و غازیان کارآموده‌ای نظیر ساوتکین، جوهر آئین، افشین، سلتوق (سوندوق یا صندوق)، تارانگ اوغلی، احمد شاه، اینانج اوغلی، ارتق و طوطی همراهی می‌کردند. هرچند سپاه سلطان به مراتب کمتر از سپاه امپراتور بود اما از نظر روحی و معنوی در حد بالایی قرار داشتند و شرکت در این نبرد را یک وظیفه شرعی می‌دانستند. آلب ارسلان که احتمال مغلوب شدن را می‌داد از امپراتور درخواست صلح نمود ولی امپراتور آن را رد کرد. امام عبدالملک بخارایی که سلطان را همراهی می‌کرد به‌وی گفت: «شما در راه خدا جهاد می‌کنید لذا تمام مسلمین در

نماز جمعه در مساجد به شما دعا می‌کنند. لذا روز جمعه را برای نبرد انتخاب کنید. من فتح ظفر خداوند را به نام تو امید دارم» (ابن اثیر ۱۳۶۸، ۱۷/۴۰؛ ۵۳، ۱۹۷۱، Sumer, 1971) با این سخنان قدرت معنوی و روحی سلطان افزایش یافت. خلیفه عباسی نیز خواندن دعا را در تمام مساجد مسلمین برای پیروزی آل‌ب ارسلان درخواست نمود. (ظهیرالدین نیشابوری، ۱۳۳۲، ۲۶-۲۵؛ بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶، ۴۸). مسلمانان چنین دعا می‌کردند که «خداوند! پرچم اسلام را بلند فرما. مجاهدینی که زندگی خود را در راه تو فدا می‌کنند تنها مگذار. زیرا او برای جلب رضای تو حاضر به فدای همه چیز خود است» (Turan, 1999, 181-182).

آل‌ب ارسلان با گرفتن روحیه مضاعف، نیروهای خود را در کمین‌گاه‌ها مستقر نمود و در انتظار دشمن نشست. سپاه سلطان از روز پنج‌شنبه تا صبح جمعه با به راه انداختن صداهای طبل، دهل و تکبیر نیروهای بیزانس را در بی‌خوابی و حیرت نگه‌داشتند. آل‌ب ارسلان روز جمعه قبل از شروع جنگ سپاهیان خود را جمع‌آوری نمود و از اسب پیاده شد و به درگاه خدا سجده کرد. مراسم دعا و نیایش را به جای آورد. (لاری، ۵۲۰-۵۱۹) و تضرع نمود. بعد به فرماندهان و سپاهیان خود گفت: «در این جا غیر از خداوند سلطان دیگر» که امر و نهی کند وجود ندارد. سرنوشت همه چیز و همه کس در دست اوست. شما در جنگ کردن و یا ترک میدان نبرد کاملاً آزاد هستید. هر کس هوای بازگشتن دارد برگردد. تمام جنگجویان یک صدا فریاد زدند تا مرگ در کنار تو خواهیم بود. (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ۱۷/۴۰) قبل از شروع جنگ سپاهیان با نگرانی از سرنوشت آینده به احتمال جدایی همیشگی، همدیگر را در آغوش گرفته گریه کردند. سلطان لباس سفید خود را پوشید، تنگ اسب خود را محکم نمود و به رسم قدیمی ترکان، دم اسب خود را بست. تیرو کمان خود را انداخت. گرز و شمشیر به دست گرفت و گفت ای مردم همین لباس سفید کفن من باشد (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶، ۴۹؛ ابن خلدون، ۱۳۶۶، ۴/۲۱) امپراتور بیزانس نیز در کلیسای چادری کشیشان مشغول انجام مراسم دعا و نیایش بود و پس از اتمام آیین مذهبی با صدای ناقوس آماده جنگ گردید. سپاه سلطان با صدای طبل، دهل و تکبیر و فریادهای بلند دشمن را به هجوم تحریک می‌نمود. زیرا نیروهای سلطان به علت کمی نفرات در صدد آغاز حمله

از طرف دشمن و غافلگیر نمودن آنها بودند که این تاکتیک با موفقیت اجرا شد. نیروهای دوطرف چندین روز رودرروی هم قرار داشتند اما هیچ کدام اقدام به حمله نمی کردند. بخشی از سپاهیان سلطان دو روز بدون کوچکترین حرکت در کمین گاه بودند که با شروع حمله گسترده سپاهیان بیزانس، از پشت سر به دشمن حمله نمودند و آنها را غافلگیر کردند. (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶، ۴۹؛ ۲۴۴، Sumer. 1971) در این موقع ترکان پچنگ و اوز (اوغوز) از سپاه بیزانس جدا به نیروهای سلجوقی ملحق شدند. این عملکرد ترکان باعث اضطراب نیروهای بیزانسی و شکست مقاومت آنان گردید. نیروهای آرامنه نیز به علت اختلافات مذهبی و سیاسی دیرین با بیزانسی‌ها، تمایلی به نبرد نداشتند. لذا از جبهه‌ها فرار می کردند (پاسدروماجیان، ۱۳۶۹، ۱۹۹-۱۹۸).

گم شدن امپراتور در گیاره جنگ و اشتباه استراتژیک شاهزاده آندره نیکوس با اعلام مرگ امپراتور، سرنوشت اصلی جنگ را رقم زد. امپراتور نیز با مشاهده پریشانی لشکر خود به طرف درگاه عقب‌نشینی نمود. آلب ارسلان نیز شخصاً در جنگ مشارکت کرد هرچند فرماندهانش از جمله آیتکین از وی درخواست نمودند که حیات خود را به خطر نیندازد، چرا که سپاهیان به او نیاز دارند. اما وی حاضر به پذیرش این پیشنهاد نشد. امپراتور در حین عقب‌نشینی در کمین گاه مسیر به دام افتاد و این امر، روحیه سپاهیان سلجوقی را دوچندان کرد. حملات تعرض آمیز ترکان آغاز شد و شکست در نیروهای بیزانس افتاد که با ادامه نبرد امپراتور و بسیاری از فرماندهانش به اسارت درآمدند.

امپراتور پس از اسارت به حضور آلب ارسلان آورده شد. سلطان با او همانند یک پادشاه برخورد نمود. دستور داد چادری برای او برپا کنند و خدمتگذارانی برای او گماشت (ابن بی بی، ۱۳۵۰، ۷۷). سلطان از امپراتور علت عدم پذیرش صلح پیشنهادی خود را جویا شد. امپراتوری جواب داد گذشته‌ها را رها کن. آلب ارسلان به امپراتوری گفت با شما چه معامله‌ای انجام بدهد؟ جواب داد: اگر پادشاهی بحتس؛ اگر بازرگانی بفروش؛ اگر قصابی بکش و برای نشان دادن پیروزی خود در شهرها بگردان. (مهبهرالدین نیشابوری، ۱۳۳۲، ۲۷؛ رشید الدین فضل الله همدانی، ۱۳۶۲، ۲۸۳؛ ابن خلدون، ۱۳۶۶، ۴/۲۱). سلطان به جاش امان داد و معاهده صلحی میان طرفین منعقد گردید که از مفاد آن ابدی بودن

صلح میان طرفین، آزادی تمام اسرای طرفین، پرداخت روزانه هزار دینار و دادن یک میلیون و پانصد هزار دینار فدیة برای آزادی خود و گذاردن ده هزار سپاهی در اختیار سلطان در موقع نیاز و ازدواج فرزندان طرفین بود (ابن عدیم، ۱۹۸۸، ص این جوزی، ۱۴۱۲ق، ۱۶/۱۲۶؛ ظهیرالدین نیشابوری، ۱۳۳۲، ۲۷؛ راوندی، ۱۳۶۶، ۱۲۰). آلب ارسلان نیکی را در حق امپراتور به کمال رساند و بدون دریافت فدیة او را آزاد ساخت و با دادن ده هزار دینار خرج سفر و همراه کردن جمعی از فرماندهان بیزانسی و تعیین محافظ، او را در طول یک فرسنگ راه مشایعت کرد و روانه مملکتش نمود. (رشید الدین فضل الله همدانی، ۱۳۶۲، ۲۸۴). سیاست و رفتار مداراگرانه سلطان با امپراتور و درخواست صلح قبل از جنگ نشان می‌دهد که سیاست سلطان همزیستی مسالمت‌آمیز میان دو امپراتوری بوده است (بویل، ۱۳۸۱، ۶۸) ولی امپراتور در برگشت به کشور خود با استقبال مواجه نشد. بیزانسی‌ها او را طرد کردند و اعلام نمودند که مسیح از او رو برتافته است. در نتیجه چشمانش را میل کشیدند. امپراتور پس از اندک مدتی فوت کرد (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶، ۵۱؛ Sumer, 1977, 54).

پیامدهای پیروزی ملازگرد

پیروزی در جنگ ملازگرد پیامدهای زیادی برای دولت سلجوقی و ترکان داشت. با این فتح قسمت‌های شرقی و مرکزی آناتولی در اختیار ترکان قرار گرفت. به تدریج بافت جمعیتی آن به نفع ترکان تغییر یافت. ترکان از شرق و مرکز آناتولی به عنوان پایگاه تهاجم به غرب آناتولی و قلمرو امپراتوری بیزانس و سایر حکومت‌های محلی بهره گرفتند. تاسیس امپراتوری سلجوقیان روم توسط نوادگان ارسلان اسرانیل از پیامدهای این پیروزی است.

با محدود شدن سلطه سیاسی امپراتوری بیزانس، سقوط امیرنشین‌های محلی مسیحی از جمله امیرنشین ارمنی آنی (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ۱۷/۱۰) و تضعیف حکومت‌های گرجستان، نفوذ مذهب مسیحیت در آناتولی رو به کاهش نهاد و ترکان اسلام را تبلیغ و ترویج نمودند. این پیروزی‌ها، زمینه جنگ‌های صلیبی را فراهم نمود.

زوال خلافت عباسی در دوره سلطه آل بویه بر بغداد، زمینه مناسبی برای گسترش نفوذ دولت فاطمی مصر فراهم آورده بود. قدرت فاطمیان در سوریه و عراق عرب، با خوانده شدن خطبه به نام خلیفه فاطمی و شورش ارسلان بساسیری از سپهسالاران ترک آل بویه به اوج خود رسید. بساسیری خلیفه عباسی را در سال ۴۵۰ ق. از بغداد اخراج کرد و به نام خلیفه فاطمی خطبه‌ای خواند. اما پیروزی ملازگرد، سلطه سلجوقیان سنی مذهب را در آناتولی، شامات و عراق عرب افزون ساخت و به احیاء قدرت خلیفه انجامید. سیاست‌های معتدل و احترام‌آمیز آل ارسلان نسبت به خلافت عباسی نیز مزید بر علت شد تا فاطمی‌گری در عراق عرب و شام رو به عقب‌نشینی نهد.

نتیجه

پذیرش دسته جمعی اسلام به وسیله ترکان در قرن چهارم هجری قمری، زمینه مهاجرت و استقرار قبایل زیادی از ترکان را به درون قلمروهای دنیای اسلام فراهم نمود. تشکیل حکومت‌های ترک‌نژاد غزنوی و سلجوقی و حمایت آنان از خلافت عباسی برای کسب مشروعیت سیاسی موجب قدرت‌گیری مجدد دنیای اسلام سنی شده در نتیجه حرکت تهاجمی دنیای اسلام پس از مدت‌ها وقفه به وسیله جنگ‌جویان ترک دوباره آغاز گردید. افزایش مهاجرت ایلات ترک و کمبود امکانات، فرمانروایان سلجوقی را واداشت که برای تأمین نیازهای اولیه ایلات خویش، در مناطق تحت سلطه بیزانس در شرق آناتولی پیشروی کنند. ترکان مسلمان علاوه بر تمایلات دینی، انگیزه‌های مادی قوی برای توسعه‌طلبی‌های ارضی خود داشتند. نبرد سرنوشت‌ساز سلجوقیان با بیزانسی‌ها به سال ۴۶۳ هـ.ق. ۱۰۷۱ م. در محلی به نام ملازگرد اتفاق افتاد. نیروهای سلجوقی توانستند با وجود کمی سپاه به علت داشتن ایمان و اتحاد قوی، نیروهای عظیم بیزانس را در هم بشکنند. این پیروزی زمینه پیشروی و تصاحب تدریجی آناتولی را برای ترکان فراهم ساخت. اهمیت و ارزش این پیروزی در آینده ترکان سبب شد تا مورخان ترک به این جنگ عنوان «خندق دوم» بدهند یعنی همان‌طوری که پیروزی در جنگ خندق

پیروزی اسلام را بر دنیای شرک تضمین نمود، پیروزی ملازگرد نیز پیروزی ترکان را در آناتولی تأمین کرد.

دنیای مسیحیت نیز از قرن پنجم تا دهم میلادی تمامی اقوام ساکن اروپا را به آیین مسیحیت سوق داد تا بدین وسیله هم اقتدار سیاسی و دینی کسب نماید و هم از تصادم این اقوام جلوگیری کند؛ زیرا این اقوام تازه مسیحی شده، جمعیت دولت‌های مسیحی را افزایش داد اما در مقابل به کمبود منابع مالی انجامید و آن‌ها را در آستانه از هم‌پاشیدگی قرار داد. آنان تصرف اماکن مقدس مسیحی توسط مسلمانان را بهانه قرار داد، جنگ‌های صلیبی را براه انداختند که نزدیک به دو قرن طول کشید.

منابع

آلیاری، حسین، نبرد ملازگرد، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۳، سال ۱۹. ابن اثیر، تاریخ الکامل، ترجمه علی هاشمی حائری و ابوالقاسم حالت، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۸، ج ۱۷.

ابن بی بی، اخبار سلاجقه روم، باهتمام محمد جواد مشکور، تهران، کتابفروشی تهران، ۱۳۵۰. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتاب العلمیه، ۱۴۱۲، ج ۱۶. ابن خلدون، عبدالرحمان، العبر (تاریخ ابن خلدون)، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶، ج ۴. ابن عدیم، کمال الدین ابی القاسم عمر بن احمد، زبده الحلب من تاریخ حلب، بیروت، دارالکتاب العلمیه، ۱۹۹۶.

ابن عدیم، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۸.

ابن قلاتسی، ابویعلی حمزه، ذیل تاریخ دمشق، بیروت، مطبعة الابهاء الیسوعین، ۱۹۰۸.

بنداری اصفهانی، تاریخ سلسله سلجوقی (زبده النصره و نخبه العصره)، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶.

بویل، جی. آ. (گردآورنده). تاریخ ایران کمبریج: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.

پاسدرماجیان، هراند، تاریخ ارمنستان، ترجمه محمد قاضی، چاپ دوم، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۹.
خداوردیان، ک. س. تاریخ ارمنستان، ترجمه: گرمایک، تهران، ناشر مترجم، بی تا.
راوندی، محمد بن علی سلیمان، راحة الصدور و آیه السرور، به تصحیح محمد اقبال، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.

رشید الدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ (بخش آل سامان، غزنویان و سلجوقیان)، به اهتمام احمد آتش، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.

لاری، مصلح الدین محمد، مرات الادوار، شماره نسخه خطی ۴۱۵۵، آستان قدس رضوی، برگ ۵۲۰-۵۱۹.

مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۹.

نیشابوری، ظهیرالدین، سلجوقنامه، تهران، انتشارات کلاله خاوری، ۱۳۳۲.

Sevim, Ali, Malazgirt Meydan savas,i ves onuclari Malazgirt armagani, Tarih Kurumu, Ankara, 1972.

Sevim, Ali, Malazgirt meydan savas,i, Turk Tarih Kurumu, 1971.

Sumer, F ve Sevim. A. Islam Kaynaklarına gore malazgirt savas, I, Turk Tarih Kurumu, Ankara, 1971.

Turan, Osman, Seleuklular Tarihi Ve Turk – Islam Medeniyeti, Istanbul, 1999.

Turan, Osman, Selcuklular Zamanında Türkiye, Turan Nesriyat Yurdu, Istanbul, 1971.